

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره نهم، پاییز ۱۴۰۲: ۱۶۱-۱۹۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹

نوع مقاله: پژوهشی

غریبه‌هایی پیش چشمان آشنایان^۱ (مطالعه جامعه‌شناختی کودکان کار)

* مهناز پیروزیان

** حمیده دباغی

*** فرح ترکمان

چکیده

در ایران، هفتاد هزار نفر کودک کار و در شهر تهران، دوازده هزار نفر مشغول به کارند و انواع تبعیض‌ها را تجربه می‌کنند. هدف از نگارش این مقاله، بررسی وضعیت کودکان کار و چرایی شکل‌گیری پدیده کودک کار است. بنابراین مبتنی بر طرح تحقیق تلفیقی و در قالب دو بخش مطالعاتی کمی و کیفی، ابتدا مبتنی بر روش پیمایش، ۱۲۸ پرسشنامه ۱۱۵ سؤالی تهیه شد که کودکان کاری که با نمونه‌گیری غیر تصادفی و هدفمند انتخاب شدند، آن را تکمیل کردند. سپس در بخش دوم با انجام هفت مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختمند با فعالان و نخبگان اجتماعی و تحلیل تماتیک مصاحبه‌های آنها، تلاش شد تا یافته‌ها تفسیر شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین کودکان کار، پسر هستند و در سنین ۱۰-۱۴ سال قرار دارند. اکثر آنها بی‌سوادند یا برای کمک به خانواده، به اجبار خانواده و نیاز مالی، ترک تحصیل کرده، کار می‌کنند. هرچند والدین اکثر آنها در قید حیات هستند، آنها بین ده تا پانزده ساعت در روز کار می‌کنند و بیشتر به

۱. اقتباس از ترانه کودکان خیابانی مرحوم ناصر عبداللهی.

* کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

m.piroziyan@gmail.com

** نویسنده مسئول: استادیار گروه مطالعات زنان، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران h.dabaghi@atu.ac.ir

*** استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

fa.Torkaman@iauctb.ac.ir



دست‌فروشی مشغولند. یافته‌های بخش دوم تحقیق، بیانگر استخراج سه مقوله اصلی، هشت مقوله فرعی، ده مفهوم و ۶۷ کد بود. مهم‌ترین یافته‌های کیفی در این مقاله نشان می‌دهد که پدیده کودک کار به مثابه پدیده پنهان و مغفول است که داده‌ها و اطلاعات معتبری درباره آن وجود ندارد و در فرهنگ جامعه تبعیضی چندلایه و متکثر، نهادینه شده و در قالب باورهای فرهنگی بازتولید می‌شود.

واژه‌های کلیدی: کودکان کار، فرهنگ فقر، تبعیض، قوانین ناکارآمد و نابرابری.



بیان مسئله

کار کودک را می‌توان یکی از مسائل اجتماعی مهم جهان امروزی دانست. سازمان جهانی کار (ILO)، کار کودک را کاری تعریف می‌کند که کودکان را از دوران کودکی، زمان توانمندی و منزلتمندی محروم می‌کند. این کودکان به کارهایی اشتغال می‌یابند که از نظر روحی، جسمی، اجتماعی یا اخلاقی، برایشان خطرناک و مضر است و آنها را از فرصت حضور در مدرسه و بهره‌مندی از آموزش محروم کرده یا موجب ترک تحصیل زودهنگام آنها می‌شود. انواع بسیار زیادی از کار کودک در جهان وجود دارد؛ از کودکانی که در کشاورزی، معدن، تولید، خدمات خانگی، کارهای ساختمانی، زباله‌گردی و تکدی‌گری به کار گماشته می‌شوند، تا دیگر انواع کار که در واقع کودک به دام آنها می‌افتد. از جمله آنها می‌توان به سربازی اجباری در درگیری‌های نظامی، کار اجباری یا بردگی در مقابل قرضی که والدین به بار آورده‌اند، بهره‌برداری جنسی از کودکان برای درآمدزایی و فعالیت‌های غیر قانونی از قبیل رد و بدل کردن مواد مخدر و گدایی سازمان‌دهی شده اشاره کرد. بسیاری از اینها به عنوان بدترین انواع کار کودک شناخته می‌شوند؛ کارهایی که مضر و از نظر اخلاقی شرم‌آور هستند و کودک را مورد خشونت قرار می‌دهند. کودکان کار اغلب ساعات طولانی در حدود ۴۲ ساعت یا بیشتر در هفته کار می‌کنند و تحت شرایط خطرناکی مانند کار در شب یا استفاده از ابزار خطرناک یا قرار گرفتن در معرض محیط کار ناسالم کاری قرار دارند (ر.ک: ILO, 2021).

کودک کار به همه کودکان زیر هجده سال گفته می‌شود که به منظور کسب درآمد برای تأمین معاش خود یا خانواده در خیابان‌ها و یا کارگاه‌ها مشغول کار هستند (موسوی چلک، ۱۳۸۵: ۲۰).

آخرین برآوردهای جهانی نشان می‌دهد که تعداد کودکان کار در سراسر جهان، به ۱۶۰ میلیون نفر افزایش یافته و فقط در چهار سال گذشته، ۸/۴ میلیون کودک به کار مشغول شده‌اند. آمارها بیانگر آن است که در آغاز سال ۲۰۲۰، ۶۳ میلیون دختر و ۹۷ میلیون پسر در سراسر جهان در حال کار بودند که تقریباً یک کودک از هر ده کودک در جهان را تشکیل می‌دهد. تعریف کودک کار از سال ۲۰۱۶، به کودکان در گروه سنی ۵ تا ۱۷ ساله‌ای اطلاق می‌شود که در کارهای خطرناک -یعنی کارهایی که احتمالاً به

سلامت، ایمنی یا اخلاق آنها آسیب می‌زند- فعالیت دارند. در کشورهای جنوب صحرای آفریقا در چهار سال گذشته به دلیل رشد جمعیت، فقر شدید و اقدامات ناکافی حمایت اجتماعی، ۱۶/۶ میلیون کودک دیگر به کودکان کار اضافه شده‌اند. شوک‌های اقتصادی مضاعف در جهان و بحران کووید ۱۹ نشان داد که کودکان کار، ساعات بیشتری را کار کرده یا در شرایط کاری بدتری فعالیت داشته‌اند (ر.ک: ILO, 2021). کودکان کار در جهان اغلب در سه بخش کشاورزی، خدمات و صنعت به کار گرفته می‌شوند. آمارهای سال ۲۰۲۱ سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد که ۷۰٪ از کودکان در کشاورزی، ۱۰.۳٪ در صنعت و ۱۹.۷٪ در بخش خدمات به کار گرفته می‌شود که تعداد کودکانی که در بخش خدمات به کار گرفته می‌شوند از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱، روند افزایشی را نشان می‌دهد (ر.ک: همان).

آمار دقیقی از کودکان کار در ایران وجود ندارد و علی‌رغم مسئولیت پانزده دستگاه اجرایی در این باره، تنها می‌توان آمارهایی تقریبی از یادداشت‌های رسانه‌ای یافت. در رسانه‌ها، با تخمین احتمالی از تعداد کودکان کار در ایران، تعداد آنان هفتاد هزار نفر ذکر شده است (ر.ک: دنیای اقتصاد، ۱۴۰۱) که به‌زعم رئیس کارگروه کودکان کار و خیابان شورای اجتماعی وزارت کشور، بین ۱۲ تا ۱۵ هزار نفر از آنها کودکان کار خیابانی هستند و شناسایی شده‌اند. اما تعداد واقعی کودکان کار خیابانی احتمالاً ۲/۵ برابر رقم یادشده است. اما هیچ آماری از تعداد کودکان کار که در کارگاه‌ها و صنایع شاغل هستند، در دست نیست (ر.ک: رکنا، ۱۴۰۲).

هرچند آمارها بسیار متناقض است و در رسانه‌ها به نقل از دبیر مرجع ملی حقوق کودک، تعداد کودکان کار خیابانی در تهران، سی هزار نفر ذکر شده که بیست هزار نفر از آنها در فصل زمستان به کار داخل متروها می‌پردازند و ۱۸۷۰ کودک در سر چهارراه‌ها فعالیت دارند. ۸۵ درصد از آنها، غیر ایرانی یعنی پاکستانی و افغانستانی هستند و کودکان ایرانی، کمتر داخل خیابان هستند (ر.ک: خبرگزاری مهر، ۱۴۰۱). اکثر این کودکان در آستانه آسیب‌پذیری و رفتارهای ضد اجتماعی قرار دارند و بیشتر به ورطه بزهکاری می‌افتند. بسیاری از آنان، آسیب‌ها و تبعیضاتی را تجربه کرده، به علت ارتکاب کارهای مجرمانه با پلیس و دیگر نیروهای نظارتی درگیر شده، سرانجام راهی زندان یا کانون‌های اصلاح و تربیت می‌شوند (اقلیما، ۱۳۸۸: ۲۴۰).

در مسئله کودکان کار، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برای مثال کانلی و انیو^۱ (۱۹۹۶)، این تردید را مطرح کردند که قطع دسترسی کودکان کار به کار، ممکن است لزوماً زندگی آنها را بهبود نبخشد، بلکه ممکن است حتی موجب بدتر شدن شرایط زندگی‌شان شود. برای مثال در بنگلادش، کارگران کودک کارخانه‌های پوشاک را به بهانه اینکه کارشان ناقض کنوانسیون کار کودکان است، از کار اخراج کردند و آنها را به مشاغل دیگری سوق دادند که مسلماً بدتر از کار در کارخانه پوشاک یا قالیبافی بود. گروهی دیگر مانند جیمز و پروت^۲ (۱۹۹۷) معتقدند که راهکار حذف کار کودکان باید به تنوع زمانی دوران کودکی، ناظر و حساس باشد. برای مثال باس و پانچ^۳ دریافته‌اند که هرچند مشارکت کودکان در کشاورزی و بافندگی ممکن است در برخی از خانه‌ها منفور باشد، در دوره‌هایی از رشد کودک، جزء جدایی‌ناپذیر تربیت صحیح اوست و مشارکت دادن آنها بد نیست (Okyere, 2013: ر.ک:).

همچنین عوامل متعددی مانند عوامل اقتصادی (بیکاری چشمگیر جمعیت فعال، فقر، بی‌عدالتی، فاصله زیاد طبقاتی، مشاغل کم‌درآمد پدران، دستمزد کم کودک و عدم دستیابی افراد به شغل مطلوب در شرایط رونق اقتصادی)، عوامل اجتماعی (نگرش مثبت جامعه به کار کودکان، ازدیاد جمعیت، مهاجرت‌های برنامه‌ریزی نشده، ساختار جمعیت و کمبود قوانین حمایتی از کودکان)، عوامل خانوادگی (خانواده‌های پرجمعیت، خانواده‌های پرتنش، فوت یا جدایی والدین، اعتیاد در خانواده، سابقه بزهکاری در والدین، خشونت والدین، وجود ناپدری یا نامادری، بیماری روانی والدین و فساد اخلاقی پدر یا مادر) و عوامل زیستی و روانی (بحران هویت، بحران بلوغ، فرار از خانه و مدرسه و اعتیاد و بزهکاری که تحت تأثیر عوامل اجتماعی و خانوادگی قرار دارد)، در تبیین شکل‌گیری پدیده کار کودک دخیل است (افشانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۹).

اما در گام اول، عدم فهم و شناسایی وضعیت موجود و توصیف دقیقی از وضعیت کودکان کار و تبعیض‌هایی که با آنها مواجه‌اند، خود مسئله مهمی است که فقط از راه تحقیقات علمی قابل رفع است. نبود داده‌ها و گزارش‌های معتبر درباره آنها، از حیث

1. Connolly & Ennew, 1996

2. James and Prout, 1997.

3. Bass, 2004 & Punch, 2003.

سیاست‌گذاری نیز چالش مهمی به شمار می‌آید؛ زیرا سیاست‌گذار را در راستای رفع این مسئله اجتماعی به ورطه اشتباه در تخمین و برآوردهای احتمالی می‌کشانند و برنامه‌های موردنظر سازمان‌های متولی را بی‌اثر یا حداقل کم‌اثر می‌نماید. بنابراین مقاله حاضر به دنبال بررسی وضعیت کودکان کار از منظر ویژگی‌های فردی و خانوادگی و شناسایی مهم‌ترین تبعیض‌هایی است که آنها در زندگی خود تجربه می‌کنند. در گام بعدی، این مقاله به دنبال فهم وضعیت آنها و ارائه راهکارهایی برای خروج از وضعیت تبعیض است.

پیشینه پژوهش

در این بخش، برخی از تحقیقات مرتبط و مهم در حوزه کودکان کار طی ده سال اخیر و با رویکردهای مطالعاتی و حوزه‌های علوم مختلفی چون جامعه‌شناختی، فقه و اقتصاد مرور شده است.

طالبی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «کار کودکان و بازتولید نابرابری اجتماعی (مطالعه موردی: کودکان کار تحت پوشش جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان)»، با روشن ساختن ارتباطات ساختاری جامعه و ویژگی‌های کار کودکان، فهم گوشه‌ای از کلیت برسازنده نابرابری اجتماعی را ممکن می‌سازد. یعنی نشان می‌دهد که پدیده کار کودکان دارای درجه‌ای از پیچیدگی است که امکان حذف آن با دستورها و طرح‌های مقطعی ممکن نیست.

فولادیان و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «روایت‌پژوهی کودک کار شدن در شهر مشهد» با روش روایت‌پژوهی و استفاده از تکنیک مصاحبه روایی (پانزده مصاحبه)، روایت زندگی کودکان کار در شهر مشهد را مطالعه کرده‌اند. یافته‌های این مقاله بیانگر چهار فرآیند کلی است: ۱- فرآیند کودکان خانواده‌های مهاجر دارای ثروت اقتصادی. در این فرآیند، فقر اقتصادی در کنار مواد غذایی موجود در خانواده باعث استفاده از کودک به عنوان نیروی کار می‌شود. ۲- فرآیند کودکان کار در خانواده‌هایی که خرده‌فرهنگ کار کردن از کودکی در فرد نهادینه می‌شود و کودک به دلیل کسب مطلوبیت در خانواده به کار کردن روی می‌آورد. ۳- والدین در برابر کودک خود بی‌مسئولیتند. ۴- خرده‌فرهنگ تکدی‌گری در بین آنها وجود دارد.

مقدم و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «کاوشی در فرآیند شکل‌گیری پدیده کودکان کار خیابانی و پیامدهای آن در شهر اهواز» با کاربرد پژوهش کیفی و با استفاده از نظریه زمینه‌ای و نمونه‌گیری هدفمند، ده مصاحبه با کودکان کار انجام داده‌اند. یافته‌ها بیانگر ده خرده‌مقوله شامل مسائل پیش روی خانواده پس از طلاق والدین، آسیب‌های روحی پس از طلاق در خانواده، مشوق‌های محیطی، آموزش و انتقال روش‌های کار در خیابان، کار کودک به‌مثابه وجود، آسیب‌های اجتماعی کودک در خیابان، چالش‌های کاری، رفتار دوگانه مردم با کودک، گسست‌ها و آسیب‌های روحی کار کودک در خیابان و چهار مقوله اصلی معاشرت افتراقی کودک، چالش‌های مابعد طلاق در خانواده، پیام‌های فردی- اجتماعی کار کودک در خیابان و راهبرد گزینشی کار کودک در خیابان و مقوله هسته‌ای با عنوان کار کودک به‌مثابه مقابله با وضعیت موجود است.

دفتری (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «آموزش و کار کودکان در کشورهای در حال توسعه» به دنبال بررسی آموزش کودکان کار در بنگلادش و نپال و نقش سازمان‌های غیر دولتی بوده است. این پژوهش با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی مانند مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و ساختاریافته، مشاهده، تحلیل متون و اسناد انجام شده است. یافته‌های این مطالعه بیانگر آن است که با توجه به درس‌های سیاستی که از نقش سازمان‌های غیر دولتی به دست می‌آید، پتانسیل قوی برای تغییر آموزش وجود دارد. یکی از یافته‌های اساسی این مطالعه می‌گوید که فقر نباید مانع مهمی برای تحصیل کودکان کار در کشورهای در حال توسعه باشد. مشکل کار کودکان در جوامع کشاورزی را می‌توان صرفاً با تغییر زمان ساعات حضور در مدرسه و تعطیلات دانش‌آموزان حل کرد. برنامه‌ریزی مجدد به این ترتیب به کودکان این امکان را می‌دهد که در حین حضور در مدرسه، مسئولیت‌های خانوادگی خود را انجام دهند. این مطالعه نشان می‌دهد که راهبردهای آموزشی حمایتی که سازمان‌های غیر دولتی دنبال می‌کنند، رویکردی واقع‌بینانه برای برآوردن نیازهای فوری کودکان کارگر است. با این حال این استراتژی نمی‌تواند روش‌های آموزشی خود را با مدارس دولتی معمولی مرتبط کند. این مطالعه نشان می‌دهد که نیاز است دولت برای مدارس غیر دولتی موفق، بودجه مالی داشته باشد.

بهات (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «جنسیت، آموزش و کار کودک: رویکردی

جامعه‌شناختی» به دنبال پاسخی برای این سؤالات است که: چرا آموزش کودکان کار اهمیت دارد؟ آیا کار کودک بر حضور کودکان در مدرسه تأثیر دارد؟ آیا آموزش می‌تواند نقشی در مبارزه با کار کودکان داشته باشد؟ یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که حقوق واقعی کودکان در موارد مختلف مغفول مانده و راهکارهایی مانند تقویت آموزش ابتدایی، تحول نظام تولید جایگزین، حساس‌سازی کارگران درباره مسائل استثمار، اتحادیه‌ای از کارگران بزرگسال، ساختار شکنی نگرش والدین نسبت به آموزش کودکان دختر از طریق اجتماعی مناسب آموزش، حرفه‌ای شدن و آموزش فنی به کارگران کودک می‌تواند مهم‌ترین اقداماتی باشد که منجر به تسکین، توان بخشی، حذف و پیشگیری از کار کودکان به طور کلی و کودکان کار دختر شود.

پژوهش کومار و چاندراشکار (۲۰۱۳) با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی درباره برنامه‌های کار و رفاه کودکان در کارناتاکا» در قالب تلفیقی مبنی بر مرور و تحلیل داده‌های موجود در کتب، گزارش‌های سرشماری اسناد دولتی، گزارش‌های وزارت کار، بخشنامه‌های دولت، مجله‌ها، روزنامه‌های خبری و انجام پیمایش در هشت مدرسه در منطقه‌ای واقع در هند است که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده (در مجموع ۱۶۰ دانش‌آموز) انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از روش پیمایش جمع‌آوری شده و یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که تعداد کمی از خانواده‌های کودک کار، زمین دارند و والدین اغلب دارای سه تا چهار فرزند و بیشتر هستند که باعث فقدان آموزش و تربیت مدنی آنها شده و در نهایت به کودک کار تبدیل می‌شوند. هرچند دولت انواع کمک‌ها را به سازمان مدارس توان بخشی اعطا می‌کند، مدیران مدارس از این کمک‌ها به‌درستی استفاده نمی‌کنند و به دلیل روابط نامناسب میان والدین، کودکان کار اغلب در حاشیه و منزوی هستند.

در پژوهش برک محمدالدین و علاءالدین (۲۰۱۹) با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی کار خانگی کودک» بیان شده که تعداد زیادی از کودکان به عنوان کارگر خانگی به کار مشغول هستند و این روند در کشورهای در حال توسعه رایج است. کار خانگی کودکان معمولاً در مناطق روستایی و شهری در سراسر پاکستان انجام می‌شود. حتی افراد تحصیل کرده و مرفه اغلب کودکان خردسال را به کار در خانه خود به عنوان خانه‌دار،

دستیار آشپزخانه یا پرستار بچه استخدام می‌کنند. در اشکال بدتر، کار خانگی کودکان با استفاده از روش‌های ناعادلانه‌تری مانند قاچاق کودکان و به کار واداشتن اجباری آنها صورت می‌گیرد. هدف از این پژوهش، بررسی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی علل کار خانگی کودکان است. جامعه پژوهش، شهر کویته بوده، ۱۲۰ نفر از پاسخگویان به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. طبق یافته‌های این مطالعه، کودکان کار، ساعات بیشتری را با دستمزد پایین کار می‌کنند. آنها اغلب با آزار فیزیکی و گاهی آزار جنسی توسط کارفرمایان خود مواجه می‌شوند. بنابراین ضرورت دارد که اجرای قوانین کار به گونه‌ای باشد که از این کودکان حفاظت شود.

در تحقیقات یادشده، به شرایط کاری و ساعات کار طولانی و دستمزد پایین که منجر به آزارهای فیزیکی و جنسی و بهره‌کشی از کودکان کار می‌شود، تأکید شده است؛ مواردی که متناقض با حقوق اساسی کودکان است. همچنین از فقر و نیازهای اقتصادی به عنوان مهم‌ترین عوامل اثرگذار در تبیین پدیده کودک کار یاد شده و نیاز به اجرای قوانین کار برای حفاظت از کودکان کار، مدنظر محققان بوده است. وجه تمایز مقاله حاضر، تأکید بر بعد جامعه‌شناختی پدیده کودکان کار و شناسایی انواع تبعیضاتی است که با آنها مواجه‌اند. همچنین با کاربرد رویکرد تلفیقی تحقیق، تبیین شرایط و ارائه راهکار مدنظر محققان است.

ملاحظات مفهومی و نظری

نظریه‌های متعدد جامعه‌شناختی در تحلیل پدیده کودک کار، مشارکت دارند. برای مثال و منطبق با نظریه کارکردگرایی، همه جوانب اجتماعی، دلیلی برای وجود دارند. پس مدارس، تجارت، خانواده، سازمان‌های مذهبی و طبقات اجتماعی-اقتصادی به دلایل کارکردی اجتماعی، وجود دارند. بنا بر این رویکرد، علت وجودی نابرابری این است که افراد و گروه‌ها از ویژگی‌های عموماً انتسابی و کمتر اکتسابی نابرابر بهره می‌برند (کوئن، ۱۳۷۲: ۲۴۸). گیدنز بر اساس یک رویکرد تلفیقی، تبعیض و نابرابری را پدیده همیشگی زندگی اجتماعی می‌داند و آن را با پدیده‌های قدرت و دسترسی به منابع تبیین می‌کرد؛ یعنی قدرتمندان می‌توانند منابع ارزشمند مانند دارایی یا ثروت انباشته

کند و تملک چنین منابعی به نوبه خود وسیله ایجاد قدرت و نابرابری‌های متواتر است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۱۷).

پیر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، در نظریه‌های خود درباره نابرابری و تبعیض، تأکید بسیاری بر مفهوم سرمایه (سرمایه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نمادین) و تأثیر آن بر موقعیت‌ها و تفاوت‌های اجتماعی داشت و معتقد بود که نابرابری‌ها و تبعیض‌ها در جامعه ناشی از توزیع نابرابر این انواع سرمایه‌هاست. وی سرمایه فرهنگی را به عنوان دانش، مهارت‌ها، آموزش و دیگر ویژگی‌هایی که فرد از محیط خانواده و اجتماعی خود کسب می‌کند، می‌داندست و معتقد بود که نابرابری در دسترسی به سرمایه فرهنگی می‌تواند به بازتولید نابرابری اجتماعی منجر شود. سرمایه اقتصادی شامل دارایی‌ها، درآمد و منابع مالی است. بوردیو، این نوع سرمایه را پایه‌ای‌ترین نوع سرمایه می‌داند که تأثیر زیادی بر توانایی دسترسی به سایر انواع سرمایه‌ها دارد. سرمایه اجتماعی به شبکه‌ها، ارتباطات و روابطی اشاره دارد که فرد می‌تواند از آنها برای کسب مزایا استفاده کند. نابرابری در دسترسی به شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها منجر شود. سرمایه نمادین شامل شهرت، پرستیژ و اعتبار است. این نوع سرمایه به نوعی تجسم و تبدیل سایر انواع سرمایه‌ها به شکل‌هایی از شناخت و اعتبار اجتماعی است. بوردیو با نگاهی تلفیقی (خرد-کلان)، علت نابرابری‌های موجود جامعه را در عمل کنشگران و ساختاری جامعه می‌دید. به این معنی که از یکسو، موقعیت میدانی فرد در فضای اجتماعی امکان‌ها و گزینه‌های وی را تعیین می‌بخشد و از سوی دیگر، نظام تمایلات، نگرش، باورها و رفتارها که محصول موقعیت و سیر اجتماعی فرد در گذشته هستند، یعنی عادت‌واره‌های فرد، نحوه مواجهه و واکنش عملی او به این گزینه‌ها -اینکه آنها را دریابد یا درنیابد، برگزیند یا بگذرد- را مشخص می‌کند (ر.ک: بوردیو، ۱۳۹۳).

نوربرت الیاس^۱ نیز نابرابری را در سطح خرد و در روابط بین افراد مورد مَدَاقه قرار می‌دهد. وی معتقد بود که نابرابری‌ها و تبعیض‌ها در نتیجه روابط قدرت میان گروه‌های مختلف اجتماعی ایجاد و بازتولید می‌شود. او از مفاهیم «قوی‌تر» و «ضعیف‌تر» برای

توضیح این روابط استفاده می‌کند. به عقیده او، گروه‌های قوی تلاش می‌کنند تا قدرت خود را از طریق کنترل منابع و اعمال نفوذ بر گروه‌های ضعیف‌تر حفظ کنند (ر.ک: Elias 1965 & Scotson).

همچنین فرهنگ فقر لوئیس (۱۹۶۶) تنها وضعیتی اقتصادی نیست، بلکه فرهنگی مجزا با ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری خاص خود است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. این نظریه توضیح می‌دهد که فقرا به علت شرایط زندگی خود، به یک نوع جهان‌بینی و رفتارهای خاصی روی می‌آورند که آنها را در چرخه فقر نگه می‌دارد. در فرهنگ فقر مورد نظر لوئیس، فقرا که کودکان کار هم در همین گروه تعریف می‌شوند، با بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی و حکومتی، احساس ناتوانی و عدم کنترل شرایط، تمرکز بر زمان حال به علت عدم اطمینان به آینده و دارای ساختارهای خانوادگی خاص شناخته می‌شوند (ر.ک: Lewis, 1966).

روش پژوهش

رویکرد پژوهش در مقاله حاضر مبتنی بر طرح تحقیق تلفیقی است. انواعی از طرح‌های تلفیقی در پژوهش وجود دارد که رایج‌ترین آن، مثلث‌سازی است و در این مقاله به کار رفته است. گرین و همکاران (۱۹۸۹) به پنج دلیل، استفاده از طرح‌های تحقیق تلفیقی را توصیه می‌کنند: مثلی بودن روش به منظور اعتباربخشی به داده‌ها، مکمل بودن روش‌ها به دلیل ایجاد فهم کامل‌تر از مسئله، توسعه یافته‌ها، ایجاد نوآوری در روش و ایجاد تنوع در تحقیق (دلاور و کوشکی، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۸). مثلث‌سازی در قالب سه مدل انجام می‌شود. همگرایی یکی از انواع آن است که در آن، داده‌های کمی و کیفی به صورت جداگانه برای پدیده یکسان جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شوند و یافته‌ها طی تفسیر آنها همگرا می‌شوند (همان: ۱۱۹).

در این مقاله، ماهیت مسئله تحقیق و نیاز به ایجاد فهمی کامل از میدان، دلیلی برای استفاده از روش تحقیق تلفیقی است. مجموعه‌ای از تبعیض‌هایی که کودکان کار تجربه کرده‌اند، ابتدا با روش پیمایش تجمیع و سپس در فهم دلایل و راهکارها از رویکرد کیفی و روش تحلیل تماتیک استفاده شد.

در فاز اول پژوهش با کاربرد روش پیمایش و ابزار پرسشنامه محقق ساخته، به بررسی وضعیت کودکان کار پرداخته شده، درباره انواعی از تبعیضاتی که کودکان کار با آنها مواجه‌اند -مطابق با ادبیات نظری- پرداخته شده است. در این مرحله از تحقیق، جامعه آماری، تمامی کودکان کار خیابانی هستند که در خیابان‌های شهر تهران کار می‌کنند. بنابراین از میان تمامی کودکان کار در شهر تهران، این مقاله متمرکز بر کودکان کار خیابانی است و سایر کودکان کار شاغل در صنایع و مزارع و غیره را شامل نمی‌شود. همان‌طور که در بخش بیان مسئله ذکر شد، آمارهای دقیقی از تعداد کودکان کار خیابانی در دست نیست، اما تخمین‌ها بیانگر وجود سی هزار نفر کودک کار خیابانی در شهر تهران است.

با توجه به عدم دسترسی به چارچوب نمونه‌گیری، در این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری غیر تصادفی و هدفمند استفاده شده است. نمونه‌گیری هدفمند از نظر تحقیق در شرایطی که فقط تعداد محدودی از افراد در یک جامعه فراگیر وجود دارند که دارای ویژگی‌هایی هستند که متخصص از افراد هدف پیش‌بینی می‌کند، بهترین و مؤثرترین است (ر.ک: Rahman, 2023).

نمونه آماری در این تحقیق، ۱۲۸ کودک کار و شامل دختران و پسران تا ۱۸ سال - مطابق با تعریف کودک کار- است. اندازه نمونه در پیمایش تحت عوامل متعددی تعیین می‌شود، مانند نسبت میان متغیرهای تحقیق با نمونه و اهداف تبیینی مورد نظر محقق (میزان بررسی روابط اینکه همبستگی یا علی است) و حجم نمونه به مدل موردنظر محقق بستگی دارد. اما اگر مدل خیلی پیچیده نباشد، حداقل صد پاسخگو کافی است (ر.ک: کلاین، ۲۰۰۵، به نقل از Rahman, 2023).

افراد در نمونه مورد بررسی از محله‌های مختلف شهر تهران انتخاب شده و مورد پرسش قرار گرفته‌اند. در جدول زیر، تعداد افراد نمونه برحسب محله زندگی و کارشان نشان داده شده است.

جدول ۱- توزیع فراوانی و درصد فراوانی افراد نمونه بر حسب محل سکونت

محل سکونت	فراوانی	درصد	محل سکونت	فراوانی	درصد
شوش	۵	۳/۹	دولت آباد	۱	۰/۸
قیام دشت	۱۴	۱۰/۹	کیاشهر	۱	۰/۸
ساوجبلاغ	۱	۰/۸	ورامین	۷	۵/۵
پاکدشت	۳	۲/۳	فرحزاد	۲	۱/۶
باقرشهر	۸	۶/۲	جوادیه	۱	۰/۸
شهریار	۱	۰/۸	راه آهن	۵	۳/۹
یافت آباد	۳	۲/۳	شهر ری	۳	۲/۳
خانی آباد	۳	۲/۳	زیباشهر	۱	۰/۸
میدان خراسان	۳	۲/۳	شهران	۱	۰/۸
مسعودیه	۲	۱/۶	حسن آباد	۲	۱/۶
یاخچی آباد	۳	۲/۳	مسگه آباد	۱	۰/۸
سگرآباد	۱	۰/۸	ساوه	۱	۰/۸
پردیس	۷	۵/۵	اتابک	۳	۲/۳
قیام	۱	۰/۸	مجیدیه	۱	۰/۸
رهبر	۹	۷	نظام آباد	۱	۰/۸
اسلامشهر	۳	۲/۳	شهر قدس	۱	۰/۸
نازی آباد	۳	۲/۳	میدان بهمن	۱	۰/۸
بهارستان	۳	۲/۳	صالح آباد	۱	۰/۸
میدان قزوین	۶	۴/۷	پامنار	۱	۰/۸
مولوی	۲	۱/۶	میدان امام حسین	۱	۰/۸
پرند	۲	۱/۶	سره آباد	۱	۰/۸
۱۵ خرداد	۲	۱/۶	خواف	۱	۰/۸
بی پاسخ	۵	۳/۹	جمع	۱۲۸	۱۰۰

پرسشنامه محقق ساخته دارای ۱۱۵ سؤال بود که سؤالات آن علاوه بر بررسی اولیه متغیرهای زمینه‌ای چون شرایط تحصیلی، زندگی خانوادگی، به بررسی سه سطح خرد و

میانی و کلان تبعیض علیه کودکان کار می‌پردازد. در بخش دوم تحقیق، مبتنی بر رویکرد کیفی تحقیق و برای تحلیل یافته‌های کمی در میدان، از نخبگان و فعالان اجتماعی در حوزه حمایت از حقوق کودکان کار با روش نمونه‌گیری غیر تصادفی و هدفمند، مصاحبه شد تا یافته‌های پیمایش و شرایط تبعیض را توضیح دهند. در این بخش از مطالعه، از ابزار مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختمند و روش تحلیل تماتیک در تحلیل یافته‌ها استفاده شده است.

جدول ۲- تعریف عملیاتی و شاخص‌های متغیرهای تحقیق در فاز کمی

متغیر	شاخص‌ها	شماره سؤالات
ویژگی‌های جمعیت شناختی و اقتصادی	سن، جنس، وضعیت سواد، تعداد افراد خانواده، وضع شغل، درآمد خود و تابعیت	از سؤالات ۱ تا ۴۹ و ۵۳ تا ۵۶
تبعیض اجتماعی در سطح خرد	سطوح درآمدی، سطح تحصیلات خود و خانواده‌های کودکان کار، وضعیت شغلی کودکان کار و خانواده‌های آنها، نحوه پشتیبانی خانواده ها از کودکان کار	از سؤال ۵۱ تا ۵۲ و ۵۷ تا ۱۱۵
تبعیض اجتماعی در سطح میانی	حمایت سازمان‌ها از کودکان کار شامل بیمه‌های تأمین اجتماعی، خدمات ارائه شده به کودکان کار از سوی NGO ها، سازمان‌های حمایت‌کننده دولتی مانند سازمان کمیته امداد، انواع خدمات حمایتی	
تبعیض اجتماعی در سطح کلان	قوانین و مقررات مرتبط با کودکان کار	

برای بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و عدد آن برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۴ بود که بیش از ۰/۷ و مورد پذیرش است.

در بخش دوم برای تفسیر یافته‌های پیمایش و تحلیل یافته‌ها از مصاحبه با فعالان اجتماعی و نظر نخبگانی استفاده شد. با توجه به دشواری دسترسی سعی شد تا از منظر کیفیت تجربی و علمی، افراد مؤثر و مرجعی انتخاب شوند. از این جهت اشباع نظری در مصاحبه‌ها حاصل شد. معیارهای متعددی درباره اندازه نمونه در تحقیقات کیفی وجود دارد،

اما به‌زعم گست و همکاران^۱ (۲۰۰۶)، تعداد ۶-۱۲ مصاحبه برای یک پروژه تحقیقاتی کیفی کافی است. اما لازم است نمونه‌گیری هدفمند انجام شود و نمونه انتخابی نسبتاً ناهمگن باشد. در این مقاله نیز با نمونه‌های متنوع نخبگانی (دانشگاهی و اجرایی) در رشته‌های مختلف، اما مرتبط با پدیده کودک کار، مصاحبه شد (جدول ۳).

جدول ۳- اسامی مصاحبه‌شوندگان در گروه نخبگانی

کد	حوزه تخصصی	تحصیلات	سابقه فعالیت
۱	مشاور حقوقی NGO پویش بدسرپرست تنهاتر	وکیل پایه یک دادگستری	بیش از ۱۰ سال
۲	عضو هیئت‌مدیره مرکز گذری خانه خورشید	مددکار اجتماعی	۴۰ سال
۳	مددکار اجتماعی مؤسسه توانمندسازی زنان و کودکان مؤسسه مهر و ماه	کارشناس ارشد مطالعات زنان	بیش از ۱۰ سال
۴	کارگروه تخصصی مددکاری اجتماعی و توان‌بخشی انجمن مددکاری اجتماعی ایران مددکار اجتماعی سمن حمایت از کودکان	مددکار اجتماعی	بیش از ۲۰ سال
۵	روانشناس کودک و مدرس دانشگاه و رئیس اسبق هیئت‌مدیره شبکه یاری کودکان کار و خیابان	دکتری روان‌شناسی	بیش از ۲۰ سال
۶	جامعه‌شناس و عضو هیئت‌علمی دانشگاه	دکتری جامعه‌شناسی	۳۰ سال
۷	جامعه‌شناس و عضو هیئت‌علمی دانشگاه و عضو اسبق هیئت‌مدیره انجمن مددکاری اجتماعی ایران	دکتری مددکاری اجتماعی	بیش از ۳۰ سال

مهم‌ترین سؤالات در مصاحبه‌نامه در ادامه آمده است:

- تبعیض اجتماعی چگونه نقش بازتولیدکنندگی در شکل‌گیری و توسعه پدیده

کودکان کار دارد؟

- کودکان کار از کدامین حمایت‌های خانوادگی، اجتماعی و سازمانی برخوردارند؟
- آیا در سطح قانون‌گذاری به قوانین مرتبط با کار کودکان توجه شده است؟
- راهکارهای کاهش و کنترل پدیده کودکان کار در سطح جامعه چیست؟

یافته‌های پژوهش

در بخش اول پژوهش، پرسشنامه با ۱۲۸ کودک کار تکمیل شد. در این بخش، یافته‌های توصیفی از متغیرهای زمینه‌ای آنها ارائه می‌گردد. ۳۷ نفر (۲۸/۹٪) از افراد نمونه در رده سنی کمتر از ۱۰ سال هستند؛ ۵۷ نفر (۴۴/۵٪) در رده سنی ۱۰-۱۴ سال و ۳۴ نفر (۲۶/۶٪) از افراد نمونه در رده سنی ۱۴-۱۸ سال می‌باشند. بنابراین کمترین سن افراد نمونه، ۶ سال و بیشترین، ۱۸ سال است.

کودکان کار از منظر آموزشی، شغلی، امنیت و دسترسی به خدمات

در بخشی از پرسشنامه درباره وضعیت تحصیلی کودکان کار و خانواده‌هایشان و علل ترک تحصیل آنها پرسیده شد. اکثر کودکان کار مورد بررسی، پسر بودند (۳۲/۸٪ دختر و ۶۴/۸٪ پسر). تحصیلات آنها نیز محدود است. هرچند ۳۹/۸٪ از آنها همچنان در حال تحصیل هستند، بقیه، ترک تحصیل کرده‌اند (۳۶/۷٪) یا سواد ندارند (۲۲/۷٪). اکثر آنها به دلیل نیاز به کار و درآمدزایی، ترک تحصیل کرده‌اند (۷۹/۷٪) و باقی آنها به علت افت تحصیلی یا فرار از منزل. با این حال اکثر کودکان کار همچنان می‌خواهند که به تحصیل بازگردند و درسشان را ادامه دهند (۷۰/۳٪). اما بقیه‌شان، کار کردن را مهم‌تر می‌دانند و به دلیل مشکلات مالی خانواده یا عدم تحصیل سایر اعضای خانواده، ناتوانی در پرداخت هزینه تحصیل، اعتقاد به بیهودگی تحصیل و عدم اثرگذاری‌اش بر وضعیتشان، ترک تحصیل کرده‌اند و علاقه‌ای به بازگشت به مدرسه ندارند. البته وضعیت سواد والدینشان نیز نشان‌دهنده استمرار این وضعیت بی‌علاقگی به تحصیل است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۷۷/۳٪ و ۸۲/۸٪ از کودکان کار، به ترتیب پدران و مادرانی بی‌سواد دارند.

در اکثر موارد هرچند والدینشان در قید حیات هستند (۷۶/۶٪)، به دلیل نیاز مالی خود و خانواده‌شان، مجبور به کار شدند (۷۹/۷٪). فقط ۱/۱۶٪ از کودکان کار مورد

بررسی و خانواده‌هایشان در خانه شخصی / پدری زندگی می‌کردند و بقیه، خانه‌ای از خود نداشتند. ۶۷/۲٪ در خانه استیجاری، ۱۶/۴٪ در خانه وقفی / اهدایی زندگی می‌کردند و بقیه بی‌خانمان بودند و در پارک، خیابان یا در محل کار زندگی می‌کردند.

اکثر کودکان کار، شغلی موقتی و فصلی دارند (۷۱/۱٪) و فقط ۲۸/۹٪ از آنها کار دائمی داشتند. ۳۹/۱٪ از آنها فقط روزها کار می‌کردند و ۴۸/۴٪ روز و شب مشغول به کار بودند. ۶۰/۲٪ از آنها بین ۱۰-۱۵ ساعت و ۶/۲٪ حدود ۱۵-۲۰ ساعت در یک شبانه‌روز کار می‌کنند. ۲۸/۸٪ به دست‌فروشی، ۱۸٪ به فال‌فروشی، ۱۴٪ به گل‌فروشی، ۱۵/۲٪ به آدامس‌فروشی و بقیه به نوازندگی، واکس کفش و فروش محصولات کشاورزی مشغول بودند. علت کار کردن این کودکان نیز متفاوت بود. ۳۹/۱٪ برای کمک به خانواده، ۹/۴٪ به اجبار خانواده و ۴۲/۲٪ به دلیل مشکلات مالی مشغول به کار بودند. ۶۸ نفر (۴۸/۲٪) از افراد نمونه را هیچ‌کس مجبور به کار نکرده و خودشان تصمیم گرفتند که کار کنند. ۳۵ نفر (۲۴/۸٪) به اجبار پدر، ۵ نفر (۳/۵٪) به اجبار مادر، ۱۸ نفر (۱۲/۸٪) به اجبار والدینشان و ۶ نفر (۴/۳٪) به اجبار خواهر یا برادر و ۶ نفر (۴/۳٪) به اجبار فامیل کار می‌کنند. بررسی وضعیت شغلی والدین آنها نشان داد که والدین ۱۴/۸٪ از آنها بیکار است و ۶۹/۵٪ والدینی شاغل در مشاغل کاذب دارند.

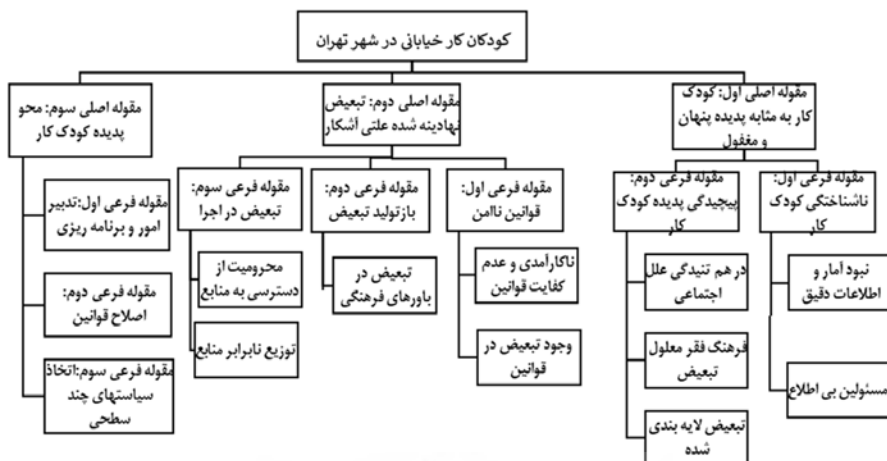
وضعیت امنیت روانی در خانواده شامل شاد زیستن، رضایت از زندگی، داشتن تفریح و سرگرمی و ارزش قائل شدن به فرزند نشان می‌دهد که ۳۱/۲٪ از آنها خود را در وضعیت متوسط و ۳۰/۵٪ در وضعیت ضعیف ارزیابی کرده‌اند. ۶۵/۵٪ از کودکان کار مورد بررسی در محیط خانواده مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند که بیشتر (۳۲/۹٪) از سوی خواهر و برادر است. ۴۹/۳٪ از کودکان کار مورد بدرفتاری جسمی و ۴۲/۳٪ از آنها در معرض بدرفتاری روانی هستند.

تبعیض علیه کودکان کار در سطح میانی با شاخص‌های متعددی بررسی شد. بر اساس یافته‌های میدانی، ۸۸/۳٪ از کودکان کار تحت پوشش هیچ بیمه‌ای قرار ندارند. والدین ۸۵/۲٪ از کودکان کار، تحت پوشش سازمان‌های حمایتی نیستند. ۷۳/۵٪ از کودکان کار فکر می‌کنند که حقوقشان در دادگاه‌ها، کم و خیلی کم رعایت می‌شود. ۶۰/۲٪ از آنها، کم و خیلی کم در امور جمعی و فعالیت‌های اجتماعی شرکت دارند. همچنین دسترسی کودکان کار به منابع آموزشی و بهداشتی محدود است (جدول ۴).

جدول ۴- درصد فراوانی دسترسی کم و خیلی کم به خدمات
آموزشی، معیشتی، فرهنگی و بهداشتی

وضعیت کم و خیلی کم در:		ابعادی از تبعیض علیه کودکان کار
تهیه و استفاده از تغذیه موردنیاز	٪۶۸.۸	معیشتی
تهیه و استفاده از مسکن مناسب	٪۷۶.۶	
تهیه، دیدن و یا شنیدن برنامه‌های تلویزیون و رادیو	٪۷۱.۹	آموزشی- فرهنگی
تهیه و استفاده از اینترنت	٪۸۸.۳	
تهیه و مطالعه رمان و داستان	٪۸۳.۶	
تهیه و استفاده از کتب درسی	٪۷۵	
تهیه و استفاده از تحصیل دوره‌های آموزشی	٪۸۲.۱	
بهداشت محیط زندگی	٪۷۸.۱	بهداشت و درمان
بهداشت دهان و دندان	٪۸۰.۵	
دسترسی به خدمات اورژانس	٪۷۱.۹	
دسترسی به خدمات دندان پزشکی	٪۸۹.۸	
دسترسی به پزشک عمومی	٪۶۹.۵	
دسترسی به پزشک متخصص	٪۸۹.۱	

در بخش دوم پژوهش، با انجام مصاحبه‌هایی با متخصصان و به‌کارگیری تحلیل تماتیک، مقوله‌های اصلی و فرعی و مفاهیم مربوط به علل شکل‌گیری کودک کار مورد مطالعه قرار گرفت. یافته‌های تحقیق بیانگر استخراج سه مقوله اصلی، هشت مقوله فرعی، ده مفهوم و ۶۷ کد بود که در ادامه توضیح داده شده است.



شکل ۱- نمایی از مقوله‌های اصلی، فرعی و مفاهیم

(یافته‌های پژوهش)

مقوله اصلی اول: کودک کار به مثابه پدیده پنهان و مغفول

مقوله فرعی اول: ناشناختگی کودک کار

یکی از مهم‌ترین مسائل از منظر متخصصان و کارشناسان درباره پدیده کودک کار، شناخت پدیده کودک کار است و اولین گام در راه این شناخت، داشتن آمار و داده‌های موثق از شرایط آنهاست.

اطلاعات و داده‌های معتبر درباره یک گروه در جامعه، به مثابه رکنی مهم در توانمندسازی جامعه است. دسترسی به اطلاعات، مترادف و هم‌معنا با داشتن قدرت است و در راستای برقراری جریانی دوسویه میان دولت و گروه‌های اجتماعی و در راستای تحقق حکمرانی خوب و مسئولانه حیاتی است (نارایان، ۱۳۹۵: ۲۷).

حال آنکه داشتن داده‌های دور از واقعیت، مبهم و غیر دقیق، به ناتوانی سیاست‌گذاران و متولیان امور اجتماعی می‌انجامد و نه تنها شناسایی وضعیت و مشکلات کودکان کار را به تعویق می‌اندازد، بلکه منجر به کاهش اعتماد عمومی به سازمان‌ها و مراکز مسئول نیز خواهد شد که به خودی خود، مسئله مهم و قابل تأملی است.

الف) مفهوم نبود آمار و اطلاعات دقیق

- «آمار دقیقی از تعداد کودکان کار نداریم» (کد ۳).

- «هیچ آماری نداریم. خیلی متناقض است و اصلاً شباهتی به هم ندارد. از

چند هزارتا، تا چند میلیون» (کد ۲).

– «آمارهای متنوعی ارائه شده است که هیچ‌کدام مبتنی بر واقعیت نیست»
(کد ۶).

ب) مفهوم مسئولان بی‌اطلاع

– «بدبختانه سازمان‌های مسئول هم آمار درستی ندارند و ما در همه ابعاد مشکل آمار را داریم» (کد ۷).

– «این یک معضل است. با اینکه بانک اطلاعاتی داریم، ولی درونش

خالی است و نشان‌دهنده آمار واقعی این بچه‌ها نیست» (کد ۵).

داشتن آمار و اطلاعات دقیق درباره کودکان کار به چندین نحو می‌تواند به شناخت دقیق‌تر مسائل از جمله علت‌ها، محدودیت‌ها و نیازهای آنها منجر شود. همچنین می‌تواند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مؤثرتر را هم در طراحی و هم در اجرای برنامه‌ها به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر در امر تخصیص منابع به صورت بهینه، به سیاست‌گذاران و متولیان امر مدیریت مسائل اجتماعی به‌ویژه کودکان کار کمک می‌کند؛ زیرا امکان مدیریت بهتر منابع مالی و انسانی در این حوزه فراهم می‌گردد. در بخش ارزیابی برنامه‌ها و عملکردهای سازمان‌های متولی امر مانند سازمان بهزیستی و سایر سازمان‌های مرتبط، فقط با داشتن داده‌ها و آمارها و رصد تغییرات است که می‌توان درباره کارایی و اثرگذاری طرح‌ها و برنامه‌ها و عملکرد سازمان‌های متولی قضاوت کرد و برای آینده مؤثرتر، برنامه داشت.

مقوله فرعی دوم: پیچیدگی پدیده کودک کار

تبعیض اجتماعی و نابرابری اقتصادی، رابطه دوسویه و هم‌افزایی با هم دارند و با هم تقویت می‌شوند. دورکیم نیز در تحلیل روابط میان متغیرهای اجتماعی به این امر توجه داشت و معتقد بود که علت مؤثر هر واقعیت اجتماعی را باید در میان واقعیت‌های اجتماعی مقدم جست‌وجو کرد، نه در میان حالت شعور فرد. بنابراین آنچه مقدم است، هم در تعیین کارکرد و هم در تعیین علت مؤثر است (ر.ک: دورکیم، ۱۳۶۸).

در مصاحبه‌های انجام‌شده، متخصصان به فرهنگ فقر به عنوان عامل مهم اجتماعی و فرهنگی در توسعه و حل نشدن مسئله کودک کار اشاره داشته‌اند. مفهوم فرهنگ فقر

را انسان‌شناس آمریکایی، اسکار لوئیس (۱۹۵۹، ۱۹۶۶) مطرح کرد و آن را مرتبط با مجموعه‌ای از ویژگی‌های متعدد مانند روان‌پریشی، بی‌ارادگی، تنبلی، احساس ضعف و بی‌ارزشی و کم‌آرزویی می‌دانست و معتقد بود که این کمبودهای فرهنگی از نسلی به نسل دیگر درون خانواده‌ها منتقل می‌شوند. حال آنکه نارایان و همکارانش با مطالعه فقرا در هند و مطالعات متعدد در چندین کشور دریافتند که فقر، یک ویژگی نیست، بلکه یک حالت است؛ بنابراین موقتی است و از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود. از نظر نایاران، فقر حالت و اقتضایی است که مردم به علت اوضاع یا شرایط کوتاه‌مدت آن را تجربه می‌کنند. بنابراین اگر فقر، ویژگی ذاتی بود، ویژگی‌هایی ثابت به دنبال داشت و هیچ تغییری در آن ویژگی‌ها دیده نمی‌شد. اما شواهد تجربی بیانگر یافته‌ای متفاوت و تغییر در شرایط فقرا به دلیل متغیر ابتکار عمل است (نارایان و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۷).

الف) مفهوم درهم‌تنیدگی علل اجتماعی

- «فرهنگ آموختنی است و وقتی فقر به وجود می‌آید از نوع اقتصادی و اجتماعی‌اش چون با هم پیوستگی دارند و جدا از هم نیستند. فرد به وضعیت و سطح خود عادت می‌کند و مطالبه‌گری نمی‌کند» (کد ۵).
- «تبعیض و نابرابری و بی‌عدالتی، یک‌جورهایی به هم وصل است. وقتی تبعیض است، به بی‌عدالتی دامن می‌زند. به فردی که حداقل زندگی را نمی‌دهیم قطعاً دچار فقر می‌شود و فردی که فقر را تجربه می‌کند، تبعیض و نابرابری را تجربه می‌کند. فرهنگ فقر باعث می‌شود طبقات محروم، نابرابری را بیشتر تجربه کنند و کمتر حمایت‌های قانونی شوند» (کد ۲).

ب) مفهوم فرهنگ فقر معلول تبعیض

تبعیض علیه کودک کار، به استمرار دایره فقر در زندگی کودک کار می‌انجامد و موجب می‌شود که او از دریافت موقعیت‌هایی مانند آموزشی، بهداشتی و مهارتی مناسب که به معنای سرمایه‌گذاری‌های انسانی روی او و قابلیت‌های فردی‌اش است، محروم بماند یا از کیفیت پایین خدمات آموزشی و بهداشتی بهره‌مند گردد. دایره فقر و استمرار آن در زندگی کودک کار به معنای تضعیف شبکه روابط و سرمایه‌های اجتماعی مؤثر است که در طولانی‌مدت او را در میدان‌ها و عرصه‌های دیگر زندگی نیز تضعیف می‌کند.

در واقع تبعیض علیه او، گذر زمان رشد کرده و آموزش کم در زمان کودکی، نداشتن شبکه روابط و سرمایه‌های اجتماعی مناسب، نمی‌تواند پتانسیل‌ها و مهارت‌های لازم را برای دستیابی به شغل بهتر و فرار از تله فقر در آینده برایشان فراهم آورد و به ناگزیر در بزرگسالی نیز مجبور به روی آوردن به مشاغل کاذب، کم‌درآمد و موقتی و حتی برخلاف هنجارها و قوانین جامعه می‌باشند.

تبعیض اجتماعی، فرهنگ فقر را ایجاد می‌کند، چون باعث سلب عزت نفس و اعتماد به نفس می‌شود. فرهنگ فقر، توانایی و اقدام و عمل صحیح را از افراد می‌گیرد و این ضعف در سه سطح است که درهم تنیده‌اند.

- «تبعیض اجتماعی، فرهنگ فقر را بازتولید و ایجاد می‌کند» (کد ۳).

- «فقر هم بعد فرهنگی و هم بعد اقتصادی دارد که اینها مکمل و زیرساخت هم هستند و فقر، شیوه‌هایی را در زندگی به فرد تحمیل می‌کند که فرد توانایی داشتن زندگی طبیعی و عادی را ندارد و همیشه در همان چرخه قرار دارد و این را سطوح میانی و کلان موجب می‌شوند. فرهنگ فقر را عدم تدبیر و برنامه‌ریزی در سطح کلان به وجود می‌آورد» (کد ۷).

ج) مفهوم تبعیض لایه‌بندی شده

از سوی دیگر تبعیض در ساده‌ترین معنایش به‌مثابه ارزشمندی کمتر در موقعیت‌های مشابه برای افراد است. این ارزشمندی می‌تواند در اقتصاد و دستیابی به سود، منزلت و جایگاه اجتماعی و یا در توانمندی‌های فردی و درک قابلیت‌های آنها باشد. در واقع کودک کار در موقعیت‌های مشابه با سایر کودکان و حتی علی‌رغم برخورداری از توانمندی، به‌واسطه تداوم فرهنگ فقر، با ارزش واقعی‌اش برآورد نمی‌شود و همواره در موقعیت ضعیف‌تر قرار می‌گیرد. در مرور زمان تبعیض نهادینه‌شده علیه او دایره روابط با دوستان و بستگان و خانواده او را محدود می‌کند و امکان رشد قابلیت‌های فردی را به او نمی‌دهد. به بیان دیگر، موجب فقر قابلیت‌ها و در آخر تثبیت فرهنگ فقر در محیط او می‌شود.

- «آسیب‌های اجتماعی، همه معلول‌هایی هستند که علت آن را باید در تبعیض اجتماعی در نظر گرفت و دقیقاً در سطوح خرد، میانی و کلان جای می‌گیرند و هر سه دسته به نحو مؤثر و یکسانی در ایجاد پدیده کودک کار

مؤثر هستند» (کد ۱).

- «آسیب اجتماعی را به سه سطح خرد، میانی و کلان تقسیم می‌کنم که درهم تنیدگی دارد. یعنی شما نمی‌توانید بگویید اگر سطح اول را درست کنیم، دیگر همه چیز درست می‌شود، یا سطح خرد را درست کنیم دیگر همه چیز درست می‌شود. اینها درهم تنیده هستند. تمام آسیب‌ها هم درهم تنیدگی دارند. مثل اعتیاد با کودک کار، فقر فرهنگی با فقر اقتصادی آنقدر درهم تنیده هستند و درهم تنیدگی خیلی پیچیدگی دارد و به این سادگی نیستند و ما چقدر ساده بودیم که فکر می‌کردیم آسیب‌ها را می‌توانیم حل کنیم» (کد ۴).

مقوله اصلی دوم: تبعیض نهادینه شده علتی آشکار

تبعیض لایه‌بندی شده می‌تواند به وضوح یا پنهان در جامعه وجود داشته باشد و به دلیل سیاست‌های نابرابر، ساختارهای اجتماعی موجود، عقاید فرهنگی و ایدئولوژی‌های موجود در جامعه تقویت شود. یکی از مهم‌ترین موانع شکل‌گیری تبعیض به مثابه امری چندلایه و پیچیده، وجود قوانینی بازدارنده و مؤثر و نافذ است. قوانین مناسب برای کاهش پدیده کودک کار باید صریح و محکم و فاقد ابهام باشد و سوءاستفاده از کودک کار و نیروی کار او را محدود کند. همچنین لازم است که قوانین، مشوق و مروج آموزش و تحصیل کودکان باشد و به آنها فرصت‌های برابر دسترسی به آموزش را ارائه و تسهیل کند.

مقوله فرعی اول: قوانین ناامن

یکی از مهم‌ترین نکاتی که متخصصان مطرح می‌کنند، فقدان ضمانت اجرایی قوانین موجود است. قوانین حمایت از کودک کار می‌تواند با انجام اقداماتی، ضمانت اجرایی لازم را بیابد. برای مثال تشکیل سازمان‌ها و نهادهای مسئول اجرای قوانین حمایت از کودک کار که وظایفی همچون نظارت، بررسی و تنظیم اجرای قوانین را بر عهده داشته باشند. همچنین ایجاد مکانیسم‌های گزارش‌دهی تخلفات و سوءاستفاده‌هایی که درباره کودکان کار صورت می‌گیرد، می‌تواند به افزایش اجرای قوانین و امکان پیگیری و پاسخگویی به شکایات یاری رساند.

الف) ناکارآمدی و عدم کفایت قوانین

- «نداشتن قوانین مناسب که بخواهد و بتواند با این پدیده مبارزه کند. ضمانت

اجراهای کافی وجود ندارد و قوانین ما پیشگیرانه از وقوع کودک کار نیست»
(کد ۱).

ب) مفهوم وجود تبعیض در قوانین

– «ما این تفاوت و تبعیض را در قوانینمان برای کودکان داریم. به نوعی در شریعت ما، این تفاوت‌ها دیده شده است. وقتی تبعیض در قوانین و سنت و فرهنگ ما وجود دارد، خوب طبیعتاً این تبعیض خیلی سفت و محکم و از سال‌های اولیه زندگی وجود دارد و در قوانین هم هست. می‌تواند برای کودک کار این تبعیض باشد و این تبعیض یک بخش آن، ابعاد حقوقی‌اش است، یک بخش از آن، ابعاد اقتصادی است» (کد ۲).

اما نکته مهم این است که هر قانون کارآمدی، نیازمند بستری اجتماعی و فرهنگی است که نیاز و ضرورت آن قانون را بداند و در حوزه مطالبات عمومی‌اش قرار دهد. در غیر این صورت بهترین و کارآمدترین قوانین ممکن است با مقاومت‌هایی در جامعه روبه‌رو شود. بنابراین توسعه آموزش و ارتقای آگاهی عمومی درباره حقوق کودکان و ضرورت حمایت از آنها می‌تواند به افزایش اثرگذاری قوانین و تسهیل اجرای آنها به‌نجوی مطلوب یاری رساند.

مقوله فرعی دوم: بازتولید تبعیض

ممکن است تبعیض در فرهنگ یک جامعه، ریشه دوانده باشد. فرهنگ تبعیض را می‌توان مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و عملکردهای اجتماعی دانست که می‌تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم به تداوم پدیده کودک کار کمک کند. برای مثال وجود فرهنگ تبعیض در آموزش موجب محرومیت کودکان اقشار ضعیف‌تر از آموزش یا برخورداری از آموزش باکیفیت می‌شود. به دنبال تبعیض در آموزش، در بسیاری از جوامع، تبعیض در بازار کار به‌ویژه در زمینه حقوق کاری، شرایط کاری و فرصت‌های پیشرفت شکل می‌گیرد و موجب می‌شود که کودکان در اقشار ضعیف جامعه به‌ویژه کودکان کار به سمت انجام کارهای نیمه‌وقت و کم‌درآمد روی آورند.

مفهوم وجود تبعیض در باورهای فرهنگی

– «در جامعه‌ای که افراد آزادی انتخاب ندارند، این جامعه فقیر است و

تبعیض اجتماعی در این دوره بسیار زیادتر از گذشته است. تبعیض اجتماعی، ریشه‌اش هم بینش و باورهای فرهنگی و اعتقادات و ارزش‌هاست. تبعیض اجتماعی، یک گوشه‌ای از ساختار کلان است که بینش و باور و ارزش‌ها و اقتصاد، ریشه‌اش است» (کد ۴).

– «این تبعیض در قوانین ما، در شریعت ما، در فرهنگ و سنت ما وجود دارد برای کودکان و همین محدودیت‌های قانونی و عدم حمایت سازمان‌ها باعث محدودیت در تحصیل، شغل و درآمد برای کودکان می‌شود» (کد ۲).

مقوله فرعی سوم: تبعیض در اجرا

توزیع نابرابر منابع و دسترسی نابرابر به آموزش، بهداشت و فرصت‌های اقتصادی می‌تواند پیامدهای متعدد اجتماعی را در برداشته، موجب تداوم پدیده کودک کار گردد.

– «یک سری عوامل باعث ایجاد پدیده کودک کار در جامعه می‌شود. مجموعه عوامل اقتصادی و فرهنگی می‌رسد به تبعیض‌ها. توزیع نامتناسب امکانات و نگاه طبقاتی و قومیتی و نژادی، از عوامل هستند» (کد ۳).

مفهوم محرومیت از دسترسی به منابع

– «نقش فقر خیلی در ایجاد این پدیده مؤثر است. هرچه قدر عدالت اقتصادی و اجتماعی و آموزشی کمتر باشد، این پدیده رخ می‌دهد و تبعیض را در سطح کلان بیشتر می‌بینیم. فرهنگ فقر که شکاف طبقاتی عامل آن است، طبقات محروم را ناتوان در گرفتن حقوق خود می‌کند و سطح کلان ایجادکننده آن است» (کد ۵).

– «از فرصت‌های اجتماعی و رشد محروم شده‌اند و در جریان توسعه از

حقوق اقتصادی و اجتماعی» (کد ۶).

از دیدگاه جامعه‌شناسی، پیامدهای این توزیع نابرابر منابع و دسترسی نابرابر کودکان کار از منابع عمومی، منجر به تقویت دور زنجیره فقر، بروز احساس حقارت و اجتماعی، بروز انواعی از معلولیت‌ها و بیماری‌های جسمی و روحی به دلیل توزیع نابرابر منابع بهداشت و درمان یا کیفیت پایین خدمات سلامت، هدررفت استعدادها و پتانسیل‌ها و سرمایه‌های انسانی و در آخر تعمیق شکاف‌های اجتماعی و نابرابری

موجود در جامعه می‌گردد.

مقوله اصلی سوم: محو پدیده کودک کار

مقوله فرعی اول: تدبیر امور و برنامه‌ریزی

سیاست‌گذاری درست و مؤثر در حوزه مبارزه و کاهش پدیده کار کودکان می‌تواند از طریق تدبیر امور و برنامه‌ریزی و اصلاح قوانین و اتخاذ سیاست‌های چندسطحی پیش‌بینی شود. تدبیر و برنامه‌ریزی در سیاست‌گذاری به ایجاد برنامه‌های کلان و مدیریت صحیح با هدف از بین بردن کار کودکان اشاره دارد که از طریق ارتقای آموزش و پشتیبانی از خانواده‌ها برای حفظ کودکان در محیط‌های سالم و تحصیلی ممکن است. بنابراین سیاست‌گذار لازم است سازوکارهای مورد نیاز و زیرساخت‌های لازم قانونی را در کنار ضمانت‌های لازم برای اجرای سیاست‌های ارائه‌شده پیش‌بینی کند.

- «برنامه‌های کلان و مدیریت صحیح در راستای از بین بردن این

پدیده و معضل لازم و ضروری است» (کد ۷).

- «رفع این معضل، مراقبت قانونی و حمایت دستگاه‌های مختلف را

می‌طلبد» (کد ۵).

- «اولویت اتخاذ سیاست‌های صحیح و ضمانت اجرا قرار دهند برای

اجرای قوانین و دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهند» (کد ۱).

مقوله فرعی دوم: اصلاح قوانین

اصلاح قوانین نیز برای تنظیم بهتر شرایط کاری و حفظ حقوق کودکان، مانند تعیین سن حداقل قانونی برای کار، ایجاد شرایط کاری ایمن و مناسب برای جوانان و تشدید مجازات برای کسانی که از کودکان استفاده غیر قانونی می‌کنند، لازم و ضروری است و زیرساخت‌های اجرایی سیاست‌های دولت‌ها را فراهم می‌کند.

- «این تبعیض را ناشی از قوانین و مسائل اقتصادی و فرهنگی می‌دانم.

نقش اقتصاد و قوانین را خیلی پررنگ می‌بینم و قوانین خیلی از سطح

اجتماعی امروز عقب‌تر است. بنابراین از نظر حقوقی، قوانین حمایتی و

حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی لازم و ضروری است» (کد ۲).

- «نبودن ضمانت اجرایی در قوانین و توزیع نامناسب و غیر عادلانه

امکانات» (کد ۳).

- «بیشترین منشأ کودک کار، فرهنگ جامعه است. فرهنگ فقر را قانون و نهادها برای سطوح پایین جامعه به ارمغان می‌آورند. ولی حقوق و قوانین و سیاست‌گذاری‌ها خیلی می‌تواند تأثیرگذار و تعیین‌کننده باشد» (کد ۶).

- «با تغییر در قوانین و سیاست‌ها، تغییر در نگاه فرهنگی و تقویت انسجام اجتماعی و همبستگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی» (کد ۶).

مقوله فرعی سوم: اتخاذ سیاست‌های چندسطحی

تنها توجه به سیاست‌گذاری درست و کاهنده در زمینه پدیده کودک کار، کافی نیست، بلکه بایستی به ویژگی درهم تنیدگی مسائل اجتماعی نیز توجه داشت و سیاست‌هایی را اجرایی کرد که به تداخل شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی توجه داشته باشند. همچنین ضروری است که تضمین اجرای قوانین مرتبط با حقوق کودکان و محکومیت کسانی که از کودکان برای کار استفاده می‌کنند و تضمین دسترسی به دادگاه‌ها و سیستم قضایی برای کودکانی که حقوقشان نقض شده نیز در زیرساخت‌های قانونی و در فرایند اصلاح قوانین و سیاست‌گذاری‌های چندسطحی مورد توجه قرار گیرد.

- «همه‌جانبه در هر سه سطح پیش برویم که به حرکت ملی نیازمند

است» (کد ۳).

- «کاهش آسیب اجتماعی فقط با موازی پیش رفتن سطوح خرد و

میانی و کلان همراه است» (کد ۴).

بحث و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر و برای شناسایی تبعیضاتی که کودکان کار با آنها مواجه هستند و تجربه آنها از این تبعیضات، طرح تحقیق تلفیقی به کار گرفته شد و از روش همگرایی در مثلث‌سازی برای برقراری ارتباط میان دو فاز کمی و کیفی تحقیق استفاده شده

است. در فاز اول تحقیق، با استفاده از روش پیمایش، پرسشنامه‌ای ۱۱۵ سؤالی و محقق ساخته تهیه شد که ۱۲۸ کودک -که به روش نمونه‌گیری غیر تصادفی انتخاب شدند- تکمیل کردند تا انواع تبعیضات پیش روی آنها شناسایی شود. در فاز دوم از نظرها و دیدگاه‌های نخبگان و فعالان اجتماعی در حوزه حمایت از حقوق کودکان کار (جدول ۳)، برای فهم بهتر پدیده کودک کار و راهکارهای احتمالی مصاحبه‌های نیمه‌ساختمند و عمیق انجام شد. در فاز دوم تحقیق با به‌کارگیری روش تحلیل تماتیک، مصاحبه‌ها تحلیل شدند و سه مقوله اصلی، هشت مقوله فرعی، ده مفهوم و ۶۷ کد استخراج شد.

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که اکثر کودکان کار، پسر هستند و در رده سنی ۱۰-۱۴ سال می‌باشند. اغلب آنها به دلیل ضعف تحصیلی، اشتغال و بی‌علاقگی به تحصیل یا بی‌سوادی والدین، ترک تحصیل کرده‌اند یا بی‌سوادند. والدین اکثر آنها بی‌سواد هستند اما در قید حیات‌اند. اکثریت آنها کار موقت دارند و به دست‌فروشی می‌پردازند و ۱۰ تا ۱۵ ساعت در روز برای کمک به خانواده، به اجبار خانواده و نیاز مالی کار می‌کنند. اکثر کودکان کار در محیط خانواده با بدرفتاری و خشونت مواجه‌اند. والدین اکثر آنها نیز در مشاغل کاذب مشغول به کارند و اکثر کودکان کار و والدینشان، تحت پوشش هیچ بیمه‌ای قرار ندارند. اکثر آنها، کم و خیلی کم در امور جمعی و فعالیت‌های اجتماعی شرکت دارند و دسترسی‌شان به منابع آموزشی و بهداشتی محدود است (جدول ۴).

برای تبیین تبعیض علیه کودکان کار با استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناسی مختلف، می‌توان از نظریه‌های کارکردگرایی، تضاد، تلفیقی گیدنز، بوردیو، نوربرت الیاس و فرهنگ فقر لوئیس بهره برد. در ادامه به بررسی این پدیده با استفاده از این نظریه‌ها می‌پردازیم. از منظر کارکردگرایی، کودکان کار به عنوان نیروی کار ارزان و قابل دسترس می‌توانند به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی موجود کمک کنند. یافته‌های این مقاله نیز نشان داد که کودکان کار، علی‌رغم شرایط تبعیض‌آمیز شغلی (اغلب مشاغل کاذب، فاقد حمایت‌های شغلی، درآمد اندک و ساعات طولانی کاری) با کار کردن به مثابه منبع درآمدی برای خانواده هستند و اغلب به دلیل مشکلات مالی خانواده به کار روی می‌آورند. دسترسی محدود کودکان کار به خدمات آموزشی، فرهنگی و درمانی نیز شواهدی بر نظریه گیدنز بود و نشان داد که در تبیین تبعیض و نابرابری لازم است به

مقوله قدرت و دسترسی به منابع نظر داشت. در واقع کودکان کار به دلیل عدم دسترسی به منابع، قربانی نابرابری‌ها می‌شوند و در چرخه‌ای از فقر و تبعیض گرفتار می‌مانند. کاربرد نظریه بورديو در فهم پدیده شرایط کودکان کار نیز نشان داد که سرمایه فرهنگی، شامل دانش، تحصیلات و مهارت‌هایی که فرد از طریق خانواده و نظام آموزشی کسب می‌کند، در کودکان کار محدود است و همان‌طور که یافته‌های میدانی نشان داد، آنها اغلب از خانواده‌هایی می‌آیند که دارای تحصیلات پایینی هستند و والدین آنها اغلب بی‌سواد، کم‌سواد و خود آنها ترک تحصیل کرده و یا کم‌سواد هستند. تحصیلات کمتر موجب کاهش سرمایه فرهنگی آنها و خانواده‌هایشان می‌شود و کمبود سرمایه فرهنگی، سایر انواع سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی را نیز با چالش مواجه کرده است. به این معنا که کودکان کار دچار محدودیت سرمایه‌های اقتصادی هستند و فشار اقتصادی و نیاز به تأمین معاش خانواده، کودکان را مجبور به ورود به بازار کار می‌کند. این محدودیت در دسترسی به سرمایه فرهنگی و اقتصادی منجر به محدودیت سرمایه اجتماعی کودکان کار می‌شود و موجب می‌شود به فرصت‌های شغلی بهتر یا منابع حمایتی دسترسی نداشته یا در محدودیت باشند.

همان‌طور که یافته‌های بخش دوم تحقیق نشان می‌دهد، تبعیض اجتماعی که کودکان کار با آن مواجه‌اند، ناشی از عوامل متعدد و چندگانه است که از سطح نهادی و قانون‌گذاری تا محیط سیاستی و اقتصاد و فرهنگ را در برمی‌گیرد. مطابق با نظر کارشناسان اجتماعی، نیاز به تغییرات در قوانین و سیاست‌ها برای رفع تبعیض و کاهش مشکلات اجتماعی، امری ضروری است و لازم است که به سیاست‌گذاری‌های چندسطحی با توجه به تداخل مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در سطوح مختلف نظر داشت. اما نکته مهم‌تر از سیاست‌گذاری و پیش‌بینی قوانین مورد نیاز، بسترسازی و توجه به زیرساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قوانین در راستای تضمین اجرای آنهاست.

در آخر و در راستای کاربردی کردن یافته‌های مقاله می‌توان راهکارهایی را ذیل یافته‌های یادشده ارائه داد:

- اصلاح و به‌روزرسانی قوانین و پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی برای آنها.

- تقویت سیاست گذاری‌های چندسطحی و تدوین و اجرای سیاست‌هایی که به تداخل مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در سطوح مختلف توجه داشته باشد.
- توسعه برنامه‌های آموزشی و فرهنگی برای افزایش آگاهی از حقوق کودکان و ترویج فرهنگ حقوق بشر و عدالت اجتماعی.
- ارتقای اقتصاد و توزیع عادلانه منابع در راستای ترویج عدالت و رفع تبعیض طبقاتی.
- توسعه زیرساخت‌های حقوقی که بیانگر تضمین سیستم قضایی در دسترس برای کودکان کار باشد.



منابع

- افشانی، سیدعلیرضا و عباس عسگری ندوشن و محمد حیدری و محمد نوریان نجف آبادی (۱۳۹۱).
تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر اصفهان، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲۳،
دوره ۴، صص ۸۵-۱۰۲.
- اقلیما، مصطفی (۱۳۸۸) «پدیده کودکان خیابانی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۳۹-۲۴۰،
صص ۱۴۲-۱۴۷.
- بورديو، پی‌یر (۱۳۹۳) تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، ثالث.
- خبرگزاری مهر (۱۴۰۱) «۳۰ هزار کودک خیابانی در تهران داریم»، کد خبر: ۸۵۱۳۶۶۶۱ قابل
دسترس در: <https://www.mehrnews.com>
- دلاور، علی و شیرین کوشکی (۱۳۹۶) روش تحقیق آمیخته، چاپ چهارم، تهران، ویرایش.
- دنیای اقتصاد (۱۴۰۱) «آمار رسمی و غیررسمی کودکان کار در ایران چقدر است؟»، شماره
روزنامه ۵۹۴۵، شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲، کد خبر: ۳۸۷۲۷۷۵، قابل دسترسی در:
<https://donya-e-eqtasad.com>
- دورکیم، امیل (۱۳۶۸) قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران.
- رکنا (۱۴۰۲) «چقدر کودک کار در ایران داریم؟ / از این آمار شوکه می‌شوید!»، کد خبر: ۹۳۹۸۲۴،
لینک خبر: <https://www.rokna.net>
- طالبی، نادر (۱۳۸۹) کار کودکان و بازتولید نابرابری اجتماعی (مطالعه موردی: کودکان کار تحت
پوشش جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، استاد
راهنما پرویز پیران، استاد مشاور ابراهیم توفیق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه
طباطبائی.
- فولادیان، مجید و جواد طوسی‌فر و سیدحسین وزیری (۱۳۹۵) «روایت پژوهی کودک کار شدن در
شهر مشهد»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۱۹)، صص
۴۸۵-۵۱۰.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲) مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی، حسن چاوشیان، تهران، نشرنی.
- مقدم، محمدحسین و حسین ملتفت و عزیز حزباوی (۱۴۰۱) کاوشی در فرآیند شکل‌گیری پدیده
کودکان کار خیابانی و پیامدهای آن در شهر اهواز، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال
دوازدهم، شماره ۴۳، صص ۱۹۳-۲۲۱.
- موسوی چلک، حسن (۱۳۸۵) «رشد روزافزون کودکان کار نگران‌کننده است»، نشریه اقتصاد، شماره ۱۹۳،
صص ۲۰-۲۱.

نارایان، دیپا (۱۳۹۵) توانمندسازی و کاهش فقر، ترجمه فرزاد پوراصغر سنگاچین و جواد رمضانی، تهران، کریم‌خان‌زند.

نارایان، دیپا و لنت پریچت و سمیه کاپور (۱۳۹۶) خروج از فقر (راه‌های بالارفتن از نردبان زندگی)، ترجمه دکتر جعفر خیرخواهان، تهران، کریم‌خان‌زند.

- Barrech, S. Din, M. & Allauddin, A. (2019) Sociological Analysis Of Domestic Child Labor. *Pakistan Journal of Gender Studies* 19(1):149-162.
- Bhat, B.A. (2010) Gender, education and child labour: A sociological perspective. *Educational Research and Reviews* Vol. 5 (6), pp. 323-328, Available online at: <http://www.academicjournals.org/ERR2> ISSN 1990-3839 © 2010 Academic Journals.
- Child Labour: Global estimates (2020) trends and the road forward. UNICEF/ILO joint publication. 2021: <https://data.unicef.org/resources/child-labour-2020-global-estimates-trends-and-the-road-forward/>.
- Doftori, M.R. (2004) Education And Child Labour In Developing Countries. A Study on the Role of Non-Governmental Organisations in Bangladesh and Nepal.
- Elias, N., & Scotson, J. L. (1965) *The Established and the Outsiders*, SAGE Publications.
- Guest, G., Bunce, A., & Johnson, J. (2006) How Many Interviews Are Enough? An Experiment with Data Saturation and Variability, *SAGE Journals*, 59-82.
- ILO.(2021) CHILD LABOUR, International Child Labour. Unicef. Available in: https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/@ed_norm/@ipecc/documents/publication/wcms_797515.pdf.
- Kumar , A. & Chandrashekhara (2013) A Sociological Study On Child Labors And Welfare Programs In Karnataka (Special Reference To Davanagere Dist). *International Journal Of Advanced Research in Management and Social Sciences*.
- Lewis, O. (1966) The Culture of Poverty. *Scientific American*, 215(4), 19–25. <http://www.jstor.org/stable/24931078>.
- Okyere, S. (2013) Are working children's rights and child labour abolition complementary or opposing realms? *International Social Work* 56(1):80-91.
- Rahman, M. M. (2023) Sample Size Determination for Survey Research and Non-Probability Sampling Techniques: A Review and Set of Recommendations. *Journal of Entrepreneurship, Business and Economics*, 11(1), 42–62.